

## عنوان مقاله:

تبیین ماهیت علم خداوند از دیدگاه ویلیام آلستون و بررسی تطبیقی آن با دیدگاه شیخ اشراق

## محل انتشار:

دوفصلنامه جستارهای فلسفه دین، دوره 7، شماره 2 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

## نویسندگان:

حسین شوروژی - دانشجوی دکتری فلسفه دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

محمد سعیدیمهر - استاد فلسفه، دانشگاه تربیت مدرس

اعظم قاسمی - دانشیار فلسفه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رضا ماحوذی - استادیار فلسفه، پژوهشگاه علوم اجتماعی

## خلاصه مقاله:

مسئله ماهیت علم خداوند از مسائلی است که از دیر باز ذهن اندیشمندان و متفکران را به خود واداشته است. در فلسفه دین معاصر، ویلیام آلستون به این مسئله چپستی ماهیت علم خداوند می‌پردازد؛ آیا می‌توان گفت علم خداوند همان باور صادق موجه است؟ در فلسفه اسلامی نیز علم را به دو قسم تقسیم می‌کنند؛ علم حضوری و علم حصولی. علم خداوند کدام قسم از این دو مورد است؟ علم حصولی یا حضوری؟ در این مقاله پس از بیان دیدگاه آلستون و شیخ اشراق در مورد علم خداوند، به این نظریه می‌پردازیم که این دو متفکر تا حدودی دیدگاه مشترکی در مورد علم خداوند پس از ایجاد دارند. نظریه شهود مستقیم آلستون و اضافیه اشراقیه سهروردی دو تعبیر از یک دیدگاه است. از دیدگاه آلستون علم خداوند را نمی‌توان همان باور در نظر گرفت، چراکه باور با محدودیت‌ها و الزاماتی مواجه است که همسو و سازگار با علم مطلق نیست. نظریه شهود مستقیم آلستون به این معنا است که خداوند مستقیماً جهان را شهود می‌کند و از این رو به آن علم دارد. همچنین آلستون نظریه متفکرانی را که معتقدند علم خداوند همان باور صادق موجه است رد می‌کند؛ زیرا انتساب آن به خداوند با تناقضاتی مواجه است. در این مقاله تلاش شده است تا با بررسی دیدگاه ویلیام آلستون و شیخ اشراق، دیدگاه این دو متفکر در مورد ماهیت علم خداوند تشریح شود و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها در این زمینه روشن شود.

## کلمات کلیدی:

علم، باور، شهود مستقیم، اضافیه اشراقیه، نورالانوار

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1143744>

